

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۳، زمستان ۱۴۰۱
صفحات: ۱-۳۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

تحلیل حقوقی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، قبل و بعد از برجام

سید باقر میر عباسی* / عبدالستار نوذری**

چکیده

عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد، در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، قبل و بعد از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) موضوع پژوهش حاضران و پاسخ داده می‌شود که عملکرد حقوقی شورای امنیت در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، قبل و بعد از برجام چگونه بوده و آثار و خلاءهای حقوقی آن چگونه تبیین می‌گردد؟ وفق منشور ملل متحد، شورای امنیت مهم‌ترین رکن سازمان ملل متحد در پاسداری از امنیت و صلح بین‌المللی است. قبل از توافق برجام، شورای امنیت با تصویب شش قطعنامه، تحریم‌های فلج‌کننده‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران مورد تصویب قرار داد و بعد از توافق برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ را تصویب و به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به عنوان ضمیمه قطعنامه مزبور رسمیت بخشید و با این اقدام کلیه قطعنامه‌های قبلی خود را لغو نمود. لذا این پژوهش گر در صدد آن است که اولاً مشخص نماید کدام یک از وضعیت‌ها علیه امنیت و صلح بین‌المللی در خصوص فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد مصداق پیدا کرد که پرونده به شورای امنیت ارجاع و قطعنامه‌های یاد شده صادر گردید. ثانیاً عملکرد حقوقی شورای امنیت در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پس از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ چگونه و بر چه اساسی بوده است. ثالثاً توفیق یاد شده واجد چه کاستی‌ها، ابهامات و نکات مناقشه برانگیزی بوده است که زمینه خروج ایالات متحده آمریکا را به عنوان طرف اصلی مذاکره از برجام فراهم ساخته است و نتیجتاً خروج ایالات متحده آمریکا، از برجام شاکله و اساس توافق برجام فرو ریخت. تلاش دیپلماتیک ایران برای رفع

* استاد گروه حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

** دانش آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه عدالت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

نگرانی‌های تبلیغاتی غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا علیه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای با حضور فعال در مذاکرات برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، النهایه با تغییر ریاست جمهوری و انتقال قدرت از دمکرات‌ها به جمهوری خواهان و چرخش سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران، عملاً زمینه تشدید تخاصم و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی با خروج یکجانبه ایالات متحده آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) مهیا و وضعیت این توافق چند جانبه بین‌المللی را در هاله‌ای از ابهام و نافرجامی تاکنون قرار داده است.

کلید واژه‌ها

سازمان ملل متحد، شورای امنیت، عملکرد حقوقی، برجام، تحریم، انرژی هسته‌ای، قطعنامه.

مقدمه

شورای امنیت سازمان ملل متحد یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد می‌باشد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد و هرگاه احساس کند که مسئله‌ای به عنوان بحران، امنیت و صلح بین‌المللی را به خطر می‌اندازد رسیدگی و اقدام می‌نماید. بر اساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد اختیارات انحصاری را برای شورا جهت احراز و رسیدگی به وضعیت‌های تهدید کننده و ناقض صلح و امنیت بین‌المللی و تجاوز مقرر داشته است. بحران و مناقشه هسته‌ای ایران و غرب از جمله بحران‌هایی متممادی است که توجه نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد را به خود معطوف ساخته است. بعد از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، شورا بیانیه‌ای صادر نمود و خواستار توقف برنامه هسته‌ای ایران بدون دلایل قانونی گردید. ایران با رد کردن خواسته‌های شورای امنیت و به دلیل نداشتن وجهت حقوقی و بین‌المللی بر خواسته‌های خود اصرار ورزید. شورای امنیت بدون در نظر گرفتن مشروعیت قانونی ارجاع و گزارش دهی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شش قطعنامه ۱۳۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ در این راستا تصویب نمود. در تمام این قطعنامه‌ها از ایران خواسته شده بود تا غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند.

۱- تحلیل حقوقی عملکرد شورای امنیت قبل از برنامه جامع اقدام مشترک (قطعنامه‌های مقدم بر برجام)

ایران در مورد فعالیت‌های هسته‌ای خود با چالش‌های فراوان با برخی از قدرت‌های بزرگ جهان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد روبه‌رو گردید. این امر موجب شد تا طی سالیان متممادی ایران به نوعی در مقابل شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گیرد و شورای

امنیت سازمان ملل شش قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران تصویب و تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه‌ای علیه ایران برقرار نمود.

۱-۱- ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

تحریم‌های شورای امنیت بر علیه موضوع هسته‌ای ایران به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای از سال ۲۰۰۶ آغاز و تا سال ۲۰۱۰ شش قطعنامه در این خصوص توسط شورا صادر گردید که در طی زمان بر شدت اقدامات آنها افزوده شد. با توجه به مفاد قطعنامه‌ها، تحریم‌های اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل بر علیه ایران از نوع تسلیحاتی، مالی و مسافرت افراد درگیر در بخش انرژی هسته‌ای و صنایع موشکی بوده است. در خصوص ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، کارشناسان این حوزه آن را اقدامی سیاسی، شتاب‌آلود و به دور از موازین و مقررات نظام حقوق بین‌الملل می‌دانند. همچنین این کارشناسان بر این عقیده هستند که شورای امنیت نه تنها نسبت به اصلاح مسیر غیر حقوقی شورای حکام اقدامی نکرده، بلکه با توانی مضاعف چنین مسیر اشتباهی را ادامه داده است. نتیجه گرفته می‌شود که در پرونده هسته‌ای ایران رویکرد سیاسی و غلبه سیاست بر حقوق بین‌الملل کاملاً مشهود است و بنیان قطعنامه‌های تحمیلی علیه ایران، تلاش وافر را برای استیلای سیاست، قدرت و سلیقه خود بر منطق و تلاش‌های حقوقی - فنی ایران مصروف داشته‌اند. پرونده هسته‌ای ایران نشان می‌دهد که آمریکا و کشورهای همسوی آن براساس نظر کی‌جی‌هالستی از حقوق بین‌الملل صرفاً برای پیشبرد سیاست بین‌الملل سوء استفاده کرده‌اند. حال آنکه نهادهای فنی، حقوقی و تخصصی نظام بین‌الملل و همچنین نفس حقوق بین‌الملل برای تحقق نظام نوین جهانی عادلانه، منصفانه و مبتنی بر همکاری، همیاری و مشارکت تأسیس و مستقر شده‌اند. (هالستی، ۱۳۷۳، ۶۴۶) دلایل موجهی برای اثبات قصور شورای امنیت در انجام وظایف آن براساس منشور سازمان ملل متحد، اساسنامه آژانس بین‌المللی، معاهده ان‌پی‌تی، موافقنامه همکاری ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، عرف بین‌الملل و اصول و قواعد آمره بین‌المللی وجود دارد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران اولاً حق دارد از اجرای خواست‌های شورای امنیت سرباز زده و ثانیاً اقدامات لازم به منظور احقاق حقوق خود در نهادهای مستقل حقوقی را تعقیب نموده و مسئولیت بنیان قطعنامه‌ها و مجریان آن را اثبات نموده و خواستار غرامات مربوطه باشد.

ارسال گزارش توسط آژانس و اقدام احتمالی توسط شورای امنیت باید با در نظر گرفتن برخی قواعد حقوقی به ویژه قاعده ارائه دلیل توسط مدعی که در زمره اصول کلی حقوقی مورد تفسیر قرار گیرد چرا که عدم توانایی در اثبات انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای، باید به مفهوم عدم انحراف فرض

شده و همواره اثبات انحراف نیازمند دلیل است. با این حال با توجه به اهمیت موضوع گسترش تسلیحات هسته‌ای به نظر می‌رسد که دولت‌ها پذیرفته‌اند در شرایط استثنایی در صورت عدم توانایی ناشی از عدم کفایت سازوکارهای بازرسی، آژانس بتواند موضوع را به شورای امنیت گزارش نماید. (زمانی و سادات میدانی، ۱۳۸۵، ۲۳-۲۵)

۲-۱- تحلیل حقوقی قطعنامه‌های شورای امنیت

قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت پس از آن که شورای حکام در ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ (هشتم مارس ۲۰۰۶) پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داد، شورای امنیت از آن سال اقدام به صدور قطعنامه علیه ایران کرد. از سال ۲۰۰۶ به بعد قطعنامه علیه ایران صادر شد که اولین قطعنامه جنبه غیر اجباری و غیر لازم‌الاجرا داشت و ۵ قطعنامه بعدی تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد. شورای امنیت در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۶۹۶ را تصویب کرد که بر اساس آن از ایران خواسته شده غنی سازی اورانیوم را متوقف کند در غیر این صورت با تحریم‌های احتمالی دیپلماتیک یا اقتصادی مواجه خواهد شد. این قطعنامه با ۱۴ رأی موافق و یک رأی مخالف (قطر) تصویب شد. این قطعنامه تحت بند ۴۰ فصل ۷ منشور سازمان ملل تصویب گردید که حاوی معیارهای تنبیهی یا تحریمی نبوده است.

قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به پایان غنی سازی اورانیوم را به رأی گذاشته شد هر چند برخی از بندهای آن بر اثر فشار روسیه و چین تعدیل و در نهایت ۱۵ کشور عضو شورا به آن رأی مثبت داد و تصویب گردید. همچنین قطعنامه تحریمی ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل در ۲۴ مارس سال ۲۰۰۷ میلادی (۴ فروردین ۱۳۸۶) به اتفاق آرا (۱۵ عضو دائم و غیر دائم) به تصویب رسیده در این قطعنامه از تمامی کشورهای جهان خواسته شده تا فعالیت خود با شرکت‌های ایرانی را که در زمینه انرژی هسته‌ای فعالیت دارند، محدود کنند، ممنوعیت صادرات و واردات سلاح‌های سنگین به ایران نیز از دیگر موارد صادره در این قطعنامه بود. همچنین شورای امنیت به جمهوری اسلامی ایران ۶۰ روز مهلت داد تا با تبعیت از این قطعنامه و درخواست‌های قطعنامه ۱۷۳۷ که پیش از آن تصویب شده بود، به فعالیت‌های حساس اتمی خود از جمله غنی سازی اورانیوم پایان دهد.

قطعنامه تحریمی (۱۸۰۳): شورای امنیت سازمان ملل ۹ ماه بعد از صدور قطعنامه ۱۷۴۷ در تاریخ دوشنبه سوم مارس ۲۰۰۸ قطعنامه دیگری (۱۸۰۳) را با ۱۴ رأی مثبت و رأی ممتنع ونزوئلا علیه ایران صادر کرد. مفاد قطعنامه به شکل رسمی توسط فرانسه و بریتانیا پیشنهاد و همچون قطعنامه‌های

قبلی بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد ناظر به اقدام‌های لازم در ارتباط با تهدید صلح و امنیت جهانی تصویب شد. قطعنامه تحریمی (۱۸۳۵): شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۳۵ خود ضمن اشاره به گزارش جدید محمد البرادعی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از عدم تعلیق غنی‌سازی اورانیوم ایران سخن گفته بود، از ایران خواست تا به صورت کامل و بدون هیچ تأخیری به قطعنامه‌های پیشین این شورا و نیز درخواست‌های شورای حکام آژانس در تعلیق برنامه هسته‌ای خود عمل کند. شورای امنیت ضمن تأکید مجدد بر قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ که همگی آنها ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شد و در آنها از ایران درخواست شده که فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و پروژه آب سنگین را تعلیق کند، در قطعنامه جدید خود اشاره‌ای به تحریم‌های جدید علیه ایران نکرد.

قطعنامه تحریمی (۱۸۸۷): از دیگر قطعنامه‌هایی که شورای امنیت علیه ایران صادر کرد، قطعنامه ۱۸۸۷ بود که در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ تصویب گردید. این قطعنامه نیز با ۱۵ رأی موافق مورد تصویب این شورا قرار گرفت که در این قطعنامه از ایران خواسته شده بود که به مفاد قطعنامه‌های قبلی عمل نماید.

قطعنامه تحریمی (۱۹۲۹): شورای امنیت سازمان ملل روز چهارشنبه ۹ ژوئن ۲۰۱۰ (۱۹ خرداد ۱۳۸۹) قطعنامه ۱۹۲۹ را علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران صادر کرد که براساس آن تحریم‌ها فراگیرتر و شدیدتر شد. قطعنامه ۱۹۲۹ براساس سه قطعنامه صادر شده پیشین علیه جمهوری اسلامی تنظیم و در آن اقدامات دیگری برای تحریم ایران منظور شد. در این قطعنامه در عین حال گفته شده که اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل به گفتگو برای رسیدن به یک راه حل مسالمت‌آمیز در برابر برنامه هسته‌ای ایران ادامه می‌دهند. شورای امنیت در این قطعنامه تأکید کرده که تحریم‌ها افراد حقیقی و حقوقی و شرکت‌هایی را هدف قرار می‌دهد که مسئول برنامه هسته‌ای ایران هستند.

۳-۱- مغایرت عملکرد شورای امنیت با اصول حقوق بین‌الملل، قواعد آمره، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

۱-۳-۱- عدم انطباق تحریم‌ها با اصول و قواعد مسلم حقوق بین‌الملل و قواعد آمره

قواعد آمره در جهت حمایت از ارزش‌ها و منافع است که برای کل جامعه بین‌المللی اهمیتی بنیادین دارند. پیوند میان قواعد آمره و اخلاق، واضح‌ترین بیان از ماهیت قطعی و تخلف‌ناپذیر این

هنجارها است. مواد ۵۳ و ۶۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات به قواعد آمره در مقام بی‌اعتبارسازی و خاتمه حیات معاهدات معارض اشاره می‌کنند. عدم تصریح به اثر مشابه قواعد آمره در حوزه فراتر از معاهدات، گاه قرینه‌ای بر این امر تلقی شده است که قواعد آمره در اعمال غیر معاهده‌ای، به ویژه در مورد اعمال ارگان‌هایی مثل شورای امنیت حاکم نخواهد بود، قبول این دیدگاه را دشوار می‌نماید. این امر به صورتی وسیع و مستمر پذیرفته شده است که مفاد قاعده آمره قلمرویی فراتر از حقوق معاهدات دارد. همان گونه که قاضی لاتریاخذ در دعوی بوسنی هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو در دیوان بین‌المللی دادگستری خاطر نشان ساخت قاعده آمره قطعاً شورای امنیت را ملزم می‌سازد. مبنای مفهومی این رویکرد به وضوح در آموزه‌های علمی شرح داده شده است: شورای امنیت باید حرمت قواعد آمره را پاس بدارد، زیرا بر خلاف قواعد معمول و عادی حقوق بین‌الملل، ارزش‌های ناب مورد حمایت قواعد آمره قابل تخطی یا اعتراض نیستند. آن قطعنامه شورای امنیت که ناقض قاعده آمره است به واقع از آن تخطی جسته و به منزله تلاش جهت استفاده از سیستم ملل متحد برای ایجاد رژیم حقوقی جدید از رهگذر قطعنامه‌ای مغایر قواعد آمره است. شورای امنیت براساس اولین ماده منشور، متعهد شده است که براساس اصول عدالت و حقوق بین‌الملل عمل کند و بر مبنای دومین ماده منشور، سازمان ملل متعهد می‌گردد که تساوی حاکمیت تمامی اعضا را تضمین نماید. در مقابل، برخی از کشورها نیز سعی می‌نمایند که سازمان ملل و خصوصاً شورای امنیت را ابزاری برای تحقق اهداف و منافع ملی خود و به ضرر منافع سایر کشورها قرار دهند.

۱-۳-۲- عدم انطباق تحریم‌های شورای امنیت با قواعد مسلم حقوق بین‌الملل و موازین

تجاری و اقتصادی

مقدمتاً می‌توان استناد کرد به گفته کوفی عنان دبیر کل اسبق سازمان ملل که در گزارش سال ۱۹۹۷ خود به سازمان ملل اعلام داشت، نگران خطرات و آسیب‌های تحریم‌ها بر گروه‌های مردمی آسیب‌پذیر و کشورهای ثالث می‌باشد. همچنین وی ادامه می‌دهد که به منظور به حداقل رساندن هزینه‌های انسانی تحریم‌ها بر مردم و جوامع، لازم است که طراحی تحریم‌ها و اعمال آن توسط شورای امنیت اصلاح شود. این تحریم‌ها نه تنها حقوق نسل‌های کنونی بلکه حقوق نسل‌های آتی را نیز زایل می‌کنند. مگر می‌توان باور کرد که تحریم نفت، بیمه، تبادل تجاری و نقل و انتقالات بانکی حتی برای اتباع کشور و گسترش و نوسازی حوزه‌های نفتی، سرمایه‌گذاری خارجی، بانک مرکزی و بسیاری از کالاهای مردم عادی را هدف قرار نخواهند داد؟ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها مصوب اجلاس ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل، اصول نظام نوین اقتصادی را تبیین نموده و تصریح می‌نماید که

دولت‌های عضو، باید با مساعدت‌های لازم، مسیر توسعه اقتصادی را از طریق گسترش تجارت بین‌المللی تعقیب نمایند. امروزه چنین حقی به عنوان حق تجارت و به عنوان یک اصل مهم حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. (ممتاز، ۱۳۸۸، ۲۱۸) لذا وارد ساختن معاملات و داد و ستد عمومی در مبحث تحریم‌ها و ایجاد محدودیت برای جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های اعتباری، بانکی، صادراتی، بیمه‌ای و مالی از مصادیق بارز نقض حقوق تعاملات تجاری بین‌المللی و موازین حقوق بشری مذکور در اعلامیه حقوق بشر و میثاقین است. همچنین، باید یادآور گردید که در بیانیه الجزایر که سند تأسیس دیوان داورای ایران و آمریکا تلقی می‌شود، یکی از شروط اساسی مذکور در آن، لغو تمام تحریم‌ها از جانب آمریکا بوده است که نه تنها محقق نشده بلکه عکس آن نیز عمل شده است. (کوشا و اسکندری، ۱۳۹۱، ۳۸۹)

۱-۳-۳- عدم انطباق تحریم‌های شورای امنیت با ابعاد حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه

در توضیح این مبحث تخطی و عدم تعلیق موضوع ماده ۵۳ کنوانسیون وین حقوق معاهدات و اسناد حقوق بشری دو امر متفاوت از هم هستند. تخطی موضوع ماده ۵۳ کنوانسیون وین تلاش برای بی‌اعتبار ساختن قاعده آمره در روابط طرفینی است. به واقع تخطی از یک حقوق بشری قابل انحراف مثل آزادی اطلاعات در یک موافقت‌نامه دو جانبه یک چیز است و تعلیق آن حق در چارچوب وضعیت فوق‌العاده ملی که در برخی اسناد حقوق بشری مقرر گشته و تابع استانداردهای ماهوی و نظارت ارگان‌های معاهداتی قرار گرفته امر دیگری است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد با انعکاس این دیدگاه در تفسیر عمومی شماره ۲۹ خود بیان داشت: احصای مقررات غیر قابل تعلیق در ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به این امر ارتباط دارد که برخی تعهدات حقوق بشری ماهیت قطعی و تخلف ناپذیر دارند ولی لزوماً با آن یکسان نیستند. به واقع مقوله نورم‌های تخلف ناپذیر فراتر از فهرستی است که در بند ۲ ماده ۴ میثاق به عنوان مقررات غیر قابل تعلیق قلمداد شده‌اند و دولت‌های عضو میثاق نمی‌توانند در هیچ شرایطی به ماده ۴ میثاق به عنوان توجیهی جهت نقض حقوق بشردوستانه یا نورم‌های تخلف ناپذیر حقوق بین‌الملل مثل گروگان‌گیری، وضع مجازات‌های جمعی و سلب خودسرانه آزادی افراد استناد جویند یا از اصول اساسی دادرسی منصفانه از جمل اصل براءت تخطی ورزند. (ارکلش ویلی و زمانی، ۲۰۱۴، ۶۴)

۱-۳-۴- تحریم‌های شورای امنیت و اسناد حقوق بشری

افزایش اعمال تحریم توسط شورای امنیت به ویژه تحریم‌های همه جانبه علیه چند کشور و بروز عوارض جانبی منفی بر شهروندان عادی این کشورها موضوع انطباق این تحریم‌ها با حقوق بشر و

اسناد حقوق بشری را مورد سؤال قرار داده است. در این بخش به موضوع اسناد حقوق بشری و تحریم پرداخته می‌شود.

– **اعلامیه جهانی حقوق بشر:** در حالی که تمامی بندهای این اعلامیه به عنوان یکی از اسناد اصلی حقوق بشری باید در اعمال تحریم مورد توجه قرار گیرد، برخی از اصول این اعلامیه در ارتباط با تحریم‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. این اصول عبارتند از: حق حیات (ماده ۳)، حق آزادی از رفتار غیر انسانی یا تحقیر آمیز (ماده ۵)، حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی از جمله غذا، مسکن و مراقبت‌های پزشکی (ماده ۲۵). ماده اخیر الذکر همچنین حق تأمین اجتماعی را در صورت فقدان معیشت در شرایط خارج از اراده فرد و حق مراقبت ویژه مادران و کودکان ایجاد می‌کند. (عمادی، ۱۳۹۱، ۱۴۷-۱۴۸)

– **میثاق حقوق سیاسی و مدنی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:** میثاقین مذکور حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد تأکید قرار می‌دهند. حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی (ماده ۱۱)، حق بهداشت (ماده ۱۲)، حق آموزش (ماده ۱۳) و حق حیات (ماده ۶ میثاق حقوق سیاسی و مدنی). ماده ۴ میثاق اخیر الذکر مشتمل بر مفهوم عدل عدول از برخی حقوق اساسی افراد است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که نهاد ناظر بر اجرای میثاق مربوطه است در نظریه تفسیری شماره ۸ مورخ ۱۹۹۷ تحت عنوان ارتباط بین تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اظهار داشته است. تحریم‌های اقتصادی باید همواره اصول مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مدنظر داشته باشند. این کمیته به هیچ وجه قصد زیر سؤال بردن لزوم اعمال تحریم در موارد مقتضی بر اساس فصل ۷ منشور سازمان ملل یا سایر حقوق بین‌الملل ذیربط را ندارد، ولی آن اصول منشور که به موضوع حقوق بشر مرتبط هستند (مواد ۱، ۵۵ و ۵۶) می‌بایست مورد توجه قرار گیرند تا تحریم‌ها قابل اعمال گردند. نظریه تفسیری فوق می‌افزاید: در حالی که تأثیر تحریم‌ها از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت است، این کمیته بر این باور است که تحریم‌ها همواره بر حقوق شناسایی شده در میثاق تأثیر منفی دارند. به عنوان مثال، تحریم‌ها غالباً در توزیع مواد غذایی، دارو و مواد بهداشتی اختلال ایجاد می‌کنند و کیفیت غذا و دسترسی به آب آشامیدنی را به خطر می‌اندازند و به شدت در کارایی سیستم‌های آموزشی و بهداشت اولیه اختلال ایجاد می‌کنند و به حق کار آسیب وارد می‌کنند. به طور ناخودآگاه تحریم‌های اقتصادی می‌توانند منجر به استحکام قدرت اقل‌ساز سرکوبگر، پیدایی قطعی بازار سیاه و ایجاد منفعت بادآورده برای رانت خواران ... شوند. (عمادی، ۱۳۹۱، ۱۴۷-۱۴۸) یکی از این موارد بند ۱۷ قطعنامه

۱۷۳۷ شورای امنیت در خصوص پرونده هسته‌ای علیه ایران است که در آن یک سری محدودیت‌های آموزشی علیه اتباع ایرانی لحاظ گردیده است. این حق از حقوق غیر قابل انحراف تلقی می‌شود که حتی شورای امنیت نیز برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد اما شورای امنیت در قطعنامه ۱۷۳۷ علیه برنامه هسته‌ای ایران در بند ۱۷ مستقیماً حق بر آموزش اتباع ایرانی را نقض نموده است.

۲- تحلیل حقوقی عملکرد شورای امنیت بعد از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱

صاحب نظران بر این عقیده هستند که توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ در وین در ۲۳ تیرماه ۹۴ به عنوان یک روز تاریخی در تاریخ روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. موفقیت مذاکرات هسته‌ای میان تهران و کشورهای ۵+۱ نمونه‌ای از اهمیت و پافشاری نسبت به سیاست و دیپلماسی بین‌المللی به شمار می‌رود. پس از دوسال مذاکره، توافقی بلند مدت بین ایران و کشورهای ۵+۱ در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای و لغو تحریم‌های ایران حاصل شد. شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۹ تیر ۱۳۹۴) با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را مورد تأیید قرار داد. در این راستا تحلیل و بررسی متن نهایی برجام در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و بین‌المللی از اهمیت و ضرورت اساسی برخوردار است.

۲-۱- ماهیت برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و تعهدات آن

در خصوص ماهیت حقوقی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و تعهدات آن سه موضوع قابل بررسی است. برجام، ضمیمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد فرع بر برجام و برجام و قطعنامه، دو متن با ماهیتی جداگانه است.

الف- برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، ضمیمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل: با عنایت به تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، برجام ماهیتاً پیوست قطعنامه شورای امنیت تلقی می‌گردد. طرف‌های مذاکره کننده پس از دستیابی به جمع بندی نهایی، بر تصویب متن نهایی برجام در قالب ضمیمه قطعنامه شورای امنیت توافق نموده، به دنبال تضمین اجرای برجام از طریق سازوکارهای مورد پذیرش حقوق بین‌الملل برآمده و بدین منظور متن برجام را ضمیمه قطعنامه شورای امنیت نموده‌اند (فتاحی، زفرقندی، ۱۳۹۴، ۱۱).

ب- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد فرع بر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام):
قطعنامه ۲۲۳۱ و رای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص موضوع هسته‌ای ایران فرع بر توافق برجام می‌باشد. این فرض بیان می‌دارد که برجام یک توافق بین‌المللی بوده و پس از جمع بندی به وسیله نمایندگان کشورهای طرف مذاکره (ایران +۵) قانونی طراحی شده در حقوق داخلی کشورها و در فرصتی ۳۴ روزه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (فتاحی، زفرقندی، ۱۳۹۴، ۱۱)

ج- برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و قطعنامه، دو متن با ماهیتی جداگانه: در تحلیل و بررسی فروض گذشته روشن گردید، نمی‌توان گفت برجام صرفاً ضمیمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل بوده که از این حیث الزام آور محسوب گردد و همچنین نمی‌توان برنامه جامع اقدام مشترک را یک توافقنامه بین‌المللی دانست و قطعنامه شورای امنیت را صرفاً فرع بر آن مفروض داشت. بر همین اساس فرض سوم، قطعنامه شورای امنیت و برجام را دو متن با دو ماهیت متفاوت می‌داند. (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴، ۱۲)

۲-۲- برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و حقوق معاهدات بین‌المللی

از منظر حقوق بین‌الملل، توافقی‌های بین‌المللی را می‌توان به دو دسته توافقی‌های حقوقی و غیر حقوقی تقسیم کرد.

- توافق حقوقی، معاهده یا عهدنامه یک توافقنامه بین‌المللی است که میان کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل است. (هرمیداس باوند، بی‌تا، ۴. دایره المعارف حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۹۴، ۲۰ - ۱۲)، بنابراین، معاهده، هرگونه توافق منعقد شده کتبی میان اشخاص یا تابعان حقوق بین‌الملل است، به شرطی که طبق مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم شود و این مقررات بر آن توافق حاکم باشند و در نتیجه آثار حقوقی مشخصی داشته باشند.

- دسته دوم، توافقی‌های غیر حقوقی هستند. توافقنامه‌های نزاکتی یا اخلاقی را معاهدات سیاسی نیز می‌نامند که معمولاً توسط قوه مجریه منعقد می‌شوند و بیشتر به دلیل موانعی که قوه مجریه از حیث قانون اساسی یا مشکلات سیاسی داخلی دارد یا با در نظر گرفتن اوضاع و احوال بین‌المللی، به ویژه در رابطه با کشور طرف توافق، تمایلی به ایجاد تعهد حقوقی بین‌المللی برای خود ندارد، مبادرت به امضای چنین موافقت‌نامه‌هایی می‌کند. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳، ۱۳). ویژگی این گونه پیمان‌ها، اعلام قواعد یا بیان تعهدات متقابل دولت‌هایی است که در انعقاد این پیمان‌ها مشارکت داشته‌اند

توجه به نحوه برخورد حقوق داخلی سایر طرف‌های متعاقد برجام با این سند از آن جهت اهمیت دارد که اساساً قصد و نیت طرف‌های یک سند بین‌المللی، در تعیین ماهیت آن سند، نقش تعیین کننده‌ای را دارد. هیچ یک از طرف‌های برجام، در مورد الزام‌آور بودن حقوقی و وجود مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض برجام، سخنی نگفته‌اند. وانگهی، بیانیه سیاسی جمهوری اسلامی ایران که حین تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ به عنوان سند شورای امنیت به ثبت رسیده است مبین این نکته می‌باشد که سند برجام، بخشی از بسته سیاسی قوق و قرارهایی است که در یک فرایند سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است. در بند پنجم بیانیه سیاسی ایران آمد که جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند که این تعهدات، داوطلبانه بود و اجرای آنها منوط به حسن نیت طرف مقابل، خواهد بود، نتیجه آنکه قصد طرفین در برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام بر آن بوده است که این سند حاوی یک توافق جامع سیاسی با ضمانت اجراهای سیاسی باشد.

۲-۳- سیاسی بودن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق وزرای امور خارجه ۵+۱ و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) به امضاء رسید. متعاقب امضای این سند و تنها پس از شش روز، در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تصویب گردید که براساس آن، تحریم‌های قبلی شورای امنیت ملغی شده و کشورهای امضا کننده برجام، موظف به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند.

معتقدان به غیر حقوقی بودن ماهیت برجام دلایل متعددی برای سیاسی خواندن آن دارند و بر این نظرند که:

- نخست، براساس اصول ۷۷ و ۱۲۵، معاهده در معنای عام به هر چیزی اطلاق می‌شود که دولتی را در برابر دیگر تابعان حقوق بین‌الملل یا سازمان‌های بین‌المللی دیگر متعهد به انجام فعل یا ترک فعلی کند؛ در حالی که در توافق، معنای دیگری مورد نظر است و علاوه بر این، هر معاهده‌ای، جنبه‌ای سیاسی دارد، زیرا دولت‌ها زمانی به عقد معاهده تن در می‌دهند که آن معاهده بتواند خواسته‌های سیاسی آنها را برآورده کند؛ در این مفهوم، تمام معاهدات بین‌المللی، سیاسی هستند. دوم اینکه، ملاک تشخیص سند بین‌المللی، اراده تبیین کننده سند است. مذاکره کنندگان از ابتدا هیچ تردیدی نداشته‌اند که این سند، سندی سیاسی و واجد تعهدات داوطلبانه است و همه طرف‌ها تعهدی برای خودشان الزام آور نمی‌کنند.

- سوم اینکه، پروتکل الحاقی و تعهداتی که در برجام درباره تصویب پروتکل گنجانده شده است، به تعهد و پایان دادن به آمریکا اشاره دارد. هر دو طرف به دلیل محدودیت‌ها و اختیارات و براساس حقوق اساسی، تنها در چارچوب اختیارات اجرایی خود، یعنی با ارائه لویحی به قوه مقننه سعی در سبک کردن برنامه دارند و دولت ایران سعی کرد فرآیند تصویب پروتکل الحاقی را در چارچوب‌های تفکیک شده میان اختیارات قوه مجریه و مجلس، طی کند. اگر چه تصویب آن به اراده قانونگذار واگذار شده است، اما آیا الزامی فراتر از چارچوب‌هایی که باید وجود داشته باشد، ایجاد شده است. (ارغوانی پیرسلامی و حسنونند، ۱۶، ۱۳۹۶)

- چهارم، برجام یک معاهده بین‌المللی و چند جانبه نیست. در هیچ بخشی از این سند نوشته نشده است که این سند، یک معاهده است.

- پنجم، هر چند برجام، ماده‌ای در مورد پایان اعتبار خودش ندارد، ولی در عمل، پس از سپری شدن ۱۰ سال، مهم‌ترین تعهدات طرفین، پایان می‌یابد؛ بنابراین، با کمی مسامحه، می‌توان برجام را سندی ۱۰ ساله دانست؛ با این توضیح که تعهدات مختصری برای ایران به ویژه در حوزه نظارت در طول ۱۰ تا ۲۵ سال باقی می‌ماند. البته، به تعبیر وزیر انرژی آمریکا، برجام سندی است که در آن غروبی پیش بینی نشده است، یعنی هیچ ماده‌ای در مورد پایان آن وجود ندارد. (ارغوانی پیرسلامی، حسنونند، ۱۷، ۱۳۹۶)

- ششم، از نام توافق (برنامه اقدام)، نیت مذاکره کنندگان، نحوه نگارش توافق و قطعنامه شورای امنیت و بسیاری جزئیات دیگر، از جمله اینکه از به کار بردن لغت *obligation* که بار حقوقی دقیقی دارد، پرهیز شده است و به جای آن واژه *commitment* را که تعهد به معنای سیاسی است به کار برده‌اند.

- هفتم، قصد و نیت طرف‌های سند برجام (عنوان توافقنامه نشان دهنده معاهده نبودن برجام و تطبیق آن با متن توافقنامه است).

دلیل عمده دیگر که این سند بین‌المللی حقوقی نیست این است که معمولاً طرفین یک سند از نظر حقوقی، اهلیت ایجاد یک تعهد را دارند؛ یعنی ایران از جانب خودش یک سری حقوق و وظایفی را دارد که در این سند منعکس می‌شود و طرف مقابل هم به همین گونه. در حالی که در این سند توافق هسته‌ای مسئله‌ای که هست، یک طرفش ایران است که به یک سری خلافاکاری‌ها متهم است و به خاطر این خلافاکاری‌ها، مشکل حقوقی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دارد. به عبارتی طرف ایران، آژانس است و شورای امنیت سازمان ملل متحد. کشورهای عضو گروه ۵+۱ طرف ایران نیستند و به

عنوان طرف ایران در این سند برجام شرکت نکرده‌اند؛ بلکه به عنوان مساعی جمیله طرف سوم که می‌خواهد به هر نحوی این مشکل به شیوه مسالمت‌آمیزی حل بشود. وارد مذاکرات شدند. بنابراین ۵+۱ نه صلاحیت دارند و نه می‌توانند آژانس یا شورای امنیت را موظف به مسئله‌ای بکنند. (ارغوانی پیرسلامی و حسنوند، ۱۳۹۶، ۱۹ - ۲۰)

- هشتم در مقدمه شماره ۱۱ برنامه جامع اقدام مشترک آمده است که تمام مفاد و اقدامات گنجانده شده در این سند، تنها برای اجرای آن بین گروه ۵+۱ و ایران است و نباید به منزله ایجاد پیشنهاد برای هیچ دولت دیگری، یا برای اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات بر مبنای معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و سایر اسناد مربوطه، و همچنین، اصول و رویه‌های شناخته شده بین‌المللی تلقی شود. (موسوی فر و دیگران، ۱۴۰۰ و ۲۰۷)

- **تعیین نکردن روند تصویب در برنامه جامع اقدام مشترک (برجام):** برخی کارشناسان استدلال می‌کنند که چون در برجام تصویب پیش بینی نشده است، لذا معاهده نیست و لازم نبود مجلس آن را تصویب کند. در پاسخ به این امر نیز باید تأکید کرد شیوه‌های اعلام رضایت در التزام در قبال معاهدات را قانون داخلی به خصوص حقوق اساسی هر کشور مشخص می‌کند. در واقع در مقابل گروه ذکر شده، گروهی دیگر با استناد به اصل حاکمیت قانون بر این نظرند که این متن ناگزیر باید به تصویب مجلس نیز می‌رسید. این گروه که نظرشان صائب به نظر می‌رسد در اثبات نظر خویش به این دلایل تمسک می‌کنند: اول اینکه بنا بر دوگانگی نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی و اقتضای حاکمیت قانون اساسی مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ عهدنامه‌ها و مقاله نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های دولت ایران با سایر دولت‌ها، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. دقت در صورت مشروح مذاکرات مجلس به روشنی حاکی از آن است که مقنن، هر سند متعهد کننده کشور را مدنظر قرار داده و بر رعایت احتیاط تصریح کرده است. بنابراین، با توجه به اصالت محتوا در معاهدات، هرگونه تعهد بین‌المللی که به هر عنانی کشور را متعهد کند، مشمول این اصول واقع شده است که باید به تصویب مجلس برسد. (خلیلی نژاد، ۱۳۹۴، ۲۶۴) برخی نیز در تلاش‌اند این نظر را تحمیل کنند که چون آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین برجام را به مجالس قانونگذاری خود برای تصویب ارائه نداده‌اند. پس برجام معاهده نیست. آنها بر این نظرند که شرایط کشورهای طرف تفاهم، پذیرش ماهیت حقوقی آن را ناممکن کرده است. در حقیقت ایالات متحده آمریکا با مشکل مخالفت کنگره مواجه است و اتحادیه اروپا نیز رویه‌ای کاملاً روشن دارد که در هر صورت در شورای وزیران اتحادیه اروپایی در خصوص تفاهمات تصمیم‌گیری می‌شود و به هیچ وجه تفاهمی برای تصویب به مجالس قانونگذاری

کشورهای عضو ارسال نمی‌شود و روسیه و چین نیز اساساً تعهدات مشخصی در این تفاهم ندارند که بخواهند آن را برای تصویب پارلمانی به مجلس ببرند. (بعیدی نژاد، ۱۳۹۴، ۸)

۲-۴- دلایل حقوقی بودن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

اصولاً دولت‌ها تمایل ندارند به طور صریح در موافقت‌نامه‌ها مشخص کنند که توافق به عمل آمده، حقوقی و الزام‌آور یا فاقد نیروی الزام‌آور حقوقی است. دیوان بین‌المللی دادگستری بر اهمیت قصد طرفین در تعیین ماهیت سند بین‌المللی و استقلال قصد از شکل تأکید می‌کند، به نظر دیوان مسئله شکل، حوزه‌ای نیست که در آن حقوق بین‌الملل شرایط سخت یا دقیقی اعمال کند. دلایل معتقدان به حقوقی و تعهدآور بودن ماهیت برجام عبارتند از:

- نخست، براساس اصول ۷۷ و ۱۲۵، معاهده در معنای عام به هر چیزی اطلاق می‌شود که دولتی را در قبال دیگر تابعان حقوق بین‌الملل یا سازمان‌های بین‌المللی دیگر متعهد به انجام فعل یا ترک فعلی کند و بر این اساس، برجام به عنوان سندی تعهدآور میان دولت ایران و دولت‌های دیگر تصویب می‌شود و علاوه بر این، مادهٔ دو کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات نیز در مورد تعریف یک توافق بین‌المللی بیان می‌کند که معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف‌نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سند واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد و نیز طبق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹، عنوان، تعیین کننده نیست، بلکه ملاک، رعایت شرایط معاهده است؛ لذا، برجام، معاهده‌ای حقوقی است.

- دوم، اگر قصد و نیت طرفین، این بوده است که برجام، معاهده یا به طور کلی توافق حقوقی نباشد، پس توافق حقوقی نیست، اما رجوع به قصد و نیت در هنگام بروز اختلاف و تفسیر معاهدات، یعنی روش ذهنی تفسیر یا مکتب اصالت قصد، مطرح می‌شود که کنوانسیون وین به صراحت به آن اشاره نکرده و تنها به بیان این نکته بسنده کرده است که در کاربرد معنای خاص هر اصطلاح، قصد طرفین تعیین کننده است، آن هم به عنوان وسیله مکمل تفسیر، ولی اگر متن صراحت داشته باشد، راجع به قصد و نیت، فاقد وجاهت است. علاوه بر این، در حقوق معاهدات، آنچه تعیین کننده می‌باشد، رضایت است صرفاً قصد و نیت نیست.

- سوم اینکه، برجام در درون خود، تعهدات بسیار مهمی دارد. براساس رویه حقوق بین‌الملل، از جمله رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد بیانیه مشترک ۱۵ ترکیه و یونان (با وجود آنکه از موارد تعهدات غیر حقوقی به شمار می‌آید) دیوان، طرفین را ملزم به رعایت تعهدات دانسته است و سابقه

تاریخی در حقوق معاهدات از جمله بیانیه‌های الجزایر بیانگر این است که هر چند معاهده به امضای دولت‌های ایران و آمریکا نرسید، اما در معاهده بودن آن، تردیدی نیست.

- چهارم اینکه، براساس اصل اصالت محتوا در معاهدات، محتوا و معیار، مهم است نه عنوان متن. آنچه در تعیین حقوقی یا اخلاقی بدون یک توافقنامه اهمیت دارد، ایجاد آثار و الزامات حقوقی بین‌المللی میان تابعان حقوق بین‌الملل است و عنوان، تفاوتی در ماهیت این موافقت‌نامه‌ها ایجاد نخواهد کرد. در متن توافقنامه از الفاظی استفاده شده است که تعهدآور هستند، از جمله اینکه در متن برجام، سی و سه مرتبه از واژه تعهدات استفاده شده است؛ برای نمونه، در یکی از بندهای سند برجام آمده است: گروه ۵+۱ و ایران متعهد می‌شوند که این برجام را با حسن نیت و در فضایی سازنده، بر مبنای احترام متقابل اجرا کنند.

- مورد پنجم، مربوط به ترتیبات حل و فصل اختلافات است. روش برجام با روش‌های سیاسی و حقوقی معمول حل اختلاف، متفاوت است. بنابراین، یک معاهده است. پیش‌بینی سازوکار حل و فصل اختلاف در برجام، خود حاکی از معاهده بودن آن است. هر چند بسیاری از معاهدات، فاقد سازوکار حل اختلاف هستند و بیان اینکه ساز و کار متفاوت است، بستگی به توافق طرف‌ها دارد. در نهایت، اینکه نقض برجام، مسئولیت بین‌المللی ایجاد می‌کند، زیرا نظام ضمانت اجرا، یعنی اقدام به مقابله به مثل، در برجام برگشت پذیر است. در واقع، در برجام یک سیستم خودبسنده وجود دارد و به نوعی ماده ۶۰ کنوانسیون وین بر آن حاکم است که مبتنی بر اعلام اختتام یا تعلیق، در مقابل نقض اساسی یک معاهده است. (ارغوانی پیرسلامی و حسنوند، ۱۳۹۶، ۱۵-۱۶)

۲-۵- برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و شورای امنیت سازمان ملل متحد

یکی از اهداف بنیادین سازمان ملل متحد به شرح مندرج در بند ۴ ماده ۴ منشور ملل متحد عبارت است از فراهم ساختن راه‌هایی برای حل و فصل و رفع اختلافات بین‌المللی از طرق مسالمت‌آمیز و مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل است. اقدامات تنبیهی و یا قهری مندرج در فصل هفتم منشور هم شامل دو نوع اقدامات است که می‌توان آن را به اقداماتی که متضمن توسل به زور نیست و اقداماتی که متضمن توسل به زور است، تقسیم نمود. می‌توان آن را به تنبیهات غیر نظامی و تنبیهات نظامی تقسیم کرد. (نعمتی زرگران، ۱۳۹۹، ۱۸۷)

برای حصول تحلیل جامعی از ماهیت برجام می‌بایست ارتباط بین برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی شود. از نگاه حقوق بین‌الملل و قطعنامه شورای امنیت چه رابطه‌ای دارند؟ در مقام تحلیل و بررسی این ارتباط می‌توان به نکاتی اشاره کرد که در زیر می‌آیند: یک

قطعنامه را بتوان به طریق معاهدات تفسیر کرد، آنجا اهمیت پیدا می‌کند که در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴، دولت ایران با گروه ۵+۱ بر سر فعالیت‌های هسته‌ای به توافق کامل رسید و این توافق ضمیمه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت شد که مهم‌ترین قسمت آن، برداشته شدن تمامی تحریم‌های سابق شورای امنیت (که ذیل قطعنامه‌های قبلی این شورا تحمیل شده بودند. در مورد برنامه‌های هسته‌ای ایران بود. لذا بررسی قطعنامه الزام آور شورای امنیت به عنوان تعهد ذیل منشور (آنطور که تفسیر ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل اعلام می‌کند) که باید طبق ماده ۱۰۳ بر دیگر تعهدات بین‌المللی تقدم داشته و رابطه آن با توافق هسته‌ای ضروری می‌نماید. (صبور و زمانی، ۱۳۹۹، ۲۰-۲۱)

۲-۶- تفسیر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در پرتوی رهیافت‌های تفسیری

ایالات متحده آمریکا از یک سو و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران و سایر اعضای برجام در چگونگی تفسیر قطعنامه شورای امنیت با یکدیگر هم رأی نیستند. موضوع مهم و قابل توجه آن است که قدرت الزام قطعنامه‌های شورای امنیت و از جمله قطعنامه ۲۲۳۱، برآمده از مواد ۲۴، ۲۵، ۴۸ و ۱۰۳ منشور ملل متحد، آنها را در زمره منابع حقوق بین‌الملل قرار می‌دهد که می‌تواند تعهدات مستقیمی بر دولت‌های عضو ملل متحد تحمیل نمایند و از این رو، چگونگی تفسیر آنها اهمیت بسزایی دارد. در حال حاضر، در خصوص چگونگی تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت در دکتترین حقوقی، سه نظریه مطرح شده است: دسته نخست از دیدگاه‌ها ناظر بر آن است که به دلیل شباهت قطعنامه‌های شورای امنیت با معاهدات، از این رو که هر دو با توافق و چانه زنی دولت‌ها شکل گرفته‌اند، اصول تفسیر معاهدات مندرج در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین، بر تفسیر قطعنامه‌های این نهاد نیز قابلیت اعمال دارد. در مقابل، دسته دوم بر این اعتقاد هستند که به جهت تفاوت‌های بارز قطعنامه‌های شورای امنیت با سایر اسناد و منابع حقوق بین‌الملل، از جمله ماهیت حقوقی این قطعنامه‌ها، جایگاه نهادی شورای امنیت و هدف نهایی آنها یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، نباید از اصول تفسیری معاهدات، در تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت بهره گرفت و نظر دسته سوم از اندیشمندان، آن است که تفسیر قطعنامه‌های شورا در ابتدا با اصول تفسیری عرفی تدوین شده در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ انجام خواهد گرفت ولی در عین حال، باید به تفاوت‌های ذاتی میان معاهدات و قطعنامه‌ها نیز توجه نمود. (موسوی‌فر و دیگران، ۱۴۰۰، ۲۰۸-۲۰۸)

از میان سه دیدگاه مطرح شده، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری مبین آن است که در حال حاضر، غلبه با رویکرد سوم است. چنانکه دیوان بین‌المللی دادگستری، در نظریه مشورتی مطابقت اعلامیه یک جانبه استقلال کوزوو با حقوق بین‌الملل در مورد تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت،

ضمن بیان اینکه قواعد تفسیر معاهده مندرج در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین حقوق معاهدات می‌تواند راهنمای‌هایی را در این زمینه در اختیار قرار دهد، به این نکته نیز تأکید کرد که تفاوت‌های میان قطعنامه‌های شورای امنیت و معاهدات به این معنا است که تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت، نیازمند عناصر دیگری است که باید مورد توجه قرار بگیرند. این قطعنامه‌ها توسط نهادی واحد اما به شرکت دسته جمعی صادر شده و با فرآیندی بسیار متفاوت از آنچه که برای انعقاد یک معاهده به کار می‌رود، نگاشته می‌شود. ضمن اینکه قطعنامه‌های شورای امنیت فارغ از اینکه تمامی اعضای ملل متحد در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند یا خیر، برای تمامی آنها الزام آور هستند. از نظر دیوان تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت ممکن است مستلزم تحلیل عناصری مانند اظهارات نمایندگان دولت‌های عضو شورای امنیت در زمان تصویب قطعنامه، قطعنامه‌های دیگر شورا در همان موضوع و همچنین رویه بعدی ارگان‌های مرتبط ملل متحد و دولت‌های متأثر از این قطعنامه‌ها باشند. (موسوی‌فر و دیگران، ۱۴۰۰، ۲۱۰-۲۰۹)

۲-۶- تمایز مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ از مفاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

تأکید قطعنامه ۲۲۳۱ بر مبنای حقوقی اطاعت دولت‌ها از تصمیمات شورای امنیت می‌باشد که در پاراگراف چهاردهم مقدمه، با تصریح بر ماده ۲۵ منشور، از آن یاد نموده است. این در حالی است که در قطعنامه‌های پیشین در رابطه با ایران، شورای امنیت آنجایی که تکالیف و مسئولیت‌های دولت‌ها در اقدامات خاص علیه ایران را ذکر می‌نمود، اساساً به این ماده و تعهدات دولت‌ها اشاره‌ای ننموده بود. آنچه که این قطعنامه را از قطعنامه‌های ششگانه قبلی متمایز می‌سازد، یک نوآوری منحصر به فردی است که شورای امنیت اقدام به ارائه آن نموده است. این نوآوری از دو جهت می‌باشد:

- قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، با یادآوری تمامی شش قطعنامه قبلی، ختم مقررات تمامی آنها را اعلام نمود و از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا به دستورالعمل‌های قطعنامه حاضر بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد عمل نمایند.

- ضمن استقبال از برجام، تمامی اعضای متعهد این سند را نسبت به اجرای صحیح و با حسن نیت این توافق ترغیب و به آنها توصیه مؤکد می‌کند. در این قطعنامه، به دولت‌ها ابلاغ می‌شود که همان‌گونه که در قطعنامه‌های قبلی در مورد ایران، تمامی دولت‌ها موظف به انجام برخی اقدامات محدود کننده علیه ایران بودند، براساس این قطعنامه، شورای امنیت تمامی دولت‌های عضو را متعهد به همکاری با ایران جهت اجرای برجام و متعهد به کان لم یکن نمودن اقدامات قبلی دانسته است. شورا در ماده یک قطعنامه خود، برجام را تأیید می‌نماید و خواستار اجرای کامل آن بر اساس برنامه

زمان بندی مندرج در برجام می باشد. همچنین در ماده ۲، از همه دولت ها، سازمان های منطقه ای و بین المللی می خواهد آن دسته از اقداماتی که برای حمایت از برجام مناسب می باشد را اتخاذ نمایند. (دلخوش، ۱۳۹۶، ۶۵-۶۶)

متعاقب امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) طی جلسه ۷۴۸۸ خود، قطعنامه ۲۲۳۱ را به تصویب رساند. آنچه که این قطعنامه را از قطعنامه های ششگانه قبلی متمایز می سازد، یک نوآوری منحصر به فرد از سوی شورای امنیت جهت نشان دادن دستاوردهای دول مذاکره کننده برجام می باشد. متعهد ساختن تمامی دولت ها جهت همکاری با جمهوری اسلامی ایران، چه جایگاه حقوقی دارد؟ این یک سؤال کلیدی در ارزیابی قطعنامه ۲۲۳۱ و ویژگی حقوقی سند برجام می باشد، قطعنامه ۲۲۳۱ (سال ۲۰۱۵) شورای امنیت در خصوص توافقات ایران با پنج به علاوه یک (برجام)، در نوع خود قابل توجه می باشد. شورا در این قطعنامه ضمن یادآوری قطعنامه های قبلی در خصوص ایران، در پاراگراف یازده مقدمه خود دولت های عضو را جهت همکاری با ایران در اجرای برجام، تشویق نموده و در پاراگراف چهارده مقدمه، بر تعهد دولت های عضو جهت اجرای تصمیمات شورای امنیت وفق ماده ۲۵ منشور تأکید می نماید. (دلخوش، ۶۲-۲۶)

در نهایت: فارغ از مباحثی که پیشتر مطرح شد، برجام چه یک معاهده بین المللی الزام آور همراه با آثار حقوقی باشد و چه یک توافقنامه نزاکتی غیرالزام آور متضمن تعهدات سیاسی و فاقد آثار حقوقی، یک نکته آن را از تمامی توافقات بین المللی از هر نوع تفکیک می کند و آن انضمامش به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. علیرغم این که این قطعنامه ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شد تا تمامی تحریم های هسته ای پیشین اعمال شده بر ایران از طرف شورای امنیت خاتمه دهد، اما با در نظر گرفتن اصول تفسیر مندرج در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین بر حقوق معاهدات، می توان الزام آوری این قطعنامه را مشاهده کرد، علاوه بر اینکه لازم الاجرائی شدن برجام برای همه طرف ها، انضمام آن به قطعنامه ۲۲۳۱ است (با بررسی قسمت ۳۴ برجام نیز می توان این امر را دریافت). متن خود قطعنامه نیز بیانگر الزام آور بودن آن برای طرفین برجام و در ابعاد وسیع تر به سان تمامی قطعنامه های الزام آور شورای امنیت، برای تمامی اعضای ملل متحد است.

۳- ضمانت اجرای تخلف از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

استفان والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید بیان کرد، آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می شود، میزان تهدیدی است که ادراک می کنند. از دیدگاه وی دولت ها در

مقابل کشورهای بی که منشأ بیشترین تهدیدند متحد می‌شوند. منظور وی از تهدید فقط به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد بلکه برداشت دولت‌ها در روابطشان از تهدید مد نظر اوست. احساس و انگاره تهدید مشترک از جمهوری اسلامی ایران در فضای پسا برجام بین ایالات متحده، رژیم اسرائیل و عربستان سعودی و هر کدام با دلایل خاص خود به وجود آمد. (زمانی و نیاکویی، ۱۳۹۸، ۱۰۹) برجام نتیجه حدود دوازده سال مذاکره منقطع بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۵ بود. زمانی که خطرات شدید درگیری نظامی و هسته‌ای واضح شد و فشارها بر ایران افزایش یافت، مشارکت کنندگان بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به گفتگوها اولویت بخشیدند. آیا برجام ضمانت اجرای مناسبی داشته است؟

۳-۱- خصیصه الزام آور بودن حقوق بین‌الملل با نگاهی به برجام

از جمله تعاریفی که در بیان معنی و مفهوم اصطلاح الزام آور بودن آمده این که؛ واژه الزام آور اصطلاحی حقوقی است که ماهیت یک هنجار (نرم) (معاهده، عرف و غیره) را به عنوان معیار رفتاری رویه‌ای که هر دولتی باید به طور قانونی مطابق آن رفتار نماید، توصیف می‌نماید بر این اساس واژه الزام آور وصف مقررات و شروط لازم الاجرا، اجباری و الزامی می‌باشد (Conde, H. Victor, 2002, 25-26)

الف- رعایت تعهدات بین‌المللی توسط دولت‌ها: بنای اصلی حقوق بین‌الملل، مبتنی بر اصل همکاری بین دولت‌ها است چرا که پایه و شالوده تعهدات بین‌المللی در پیوند جامعه شناختی و رابطه متقابل میان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) قرار گرفته است. با اینکه نظم عمومی بین‌المللی، هنوز از سازمان حقوقی پیشرفت‌های برخوردار نگشته است اما تعهد دولت‌ها به همکاری در برخی مفاهیم عام بین‌المللی، چندان نیز بدون جایگاه نمی‌باشد. (دلخوش، ۱۳۹۶، ۵۶).

برجام توافقی سیاسی با آثار و ابعاد سیاسی و حقوقی سنگین است که اجرای آن ارتباط مستقیم به حسن نیت طرفین دارد. در واقع تنها اصل حقوقی موجود در برجام که در صورت نقض برجام قابلیت استناد دارد اصل حسن نیت است. با بررسی سند برجام ملاحظه می‌شود که از واژه الزام و تعهد که اثر و بار حقوقی دقیقی دارد به تعداد محدود استفاده شده است، زیرا قصد و نیت طرفین بر ایجاد تعهد حقوقی نبوده است و از واژه التزام که اثر و بار سیاسی دارد به کرات استفاده شده است. (ملاکریمی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۰۰۶ - ۱۰۰۷) آنچه که از ماهیت سند بین‌المللی برجام و جریان مذاکرات نه چندان مختصر طرف‌های این سند مشخص می‌گردد اینکه اساس ماهیت برجام، تأکید بر یک

ب- **ترس دولت‌ها از مسئولیت بین‌المللی:** مسئولیت بین‌المللی یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی است که موجد حق و تکلیف برای اعضای جامعه بین‌المللی بوده و جزء قواعد اولیه نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷، ۱۲)

ج- **وجود سیستم نظارت بین‌المللی و حل اختلاف:** بدیهی است که سیستم‌های کنترل بین‌المللی ضمن محدود کردن حاکمیت ملی کشورها ابزاری مؤثر در تبعیت کشورها از تعهدات بین‌المللی خود به شمار می‌روند. سطح سازمانی در سطح بین‌المللی، بیانگر نقش شورای امنیت و سازمان‌های بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حمایت یا مقابله با کنشگران در سطح نظام بین‌الملل است. در بند ۹ برنامه جامع اقدام مشترک آمده است: کمیسیون مشترکی متشکل از گروه ۱+۵ و ایران و نماینده اتحادیه اروپا به منظور نظارت بر اجرای این برنامه تشکیل خواهد شد و وظایف پیش‌بینی شده در برجام را انجام خواهد داد.

وفق مفاد برجام چهار مرجع به عنوان نهادهای حل اختلاف پیش‌بینی شده است که این نهادها عبارتند از: شورای امنیت، کمیسیون مشترک، کارگروه حل اختلاف رفع تحریم‌ها و هیأت وزیران طرفین برجام که زیر نظر مرجعی به نام کمیسیون مشترک به عنوان مهم‌ترین داور با کارکردهای متنوع فعالیت می‌کنند. ضمیمه چهارم برجام به معرفی کمیسیون مشترک و تشریح وظایف این مرجع پرداخته است با توجه به بررسی متن برجام و ضمیمه آن می‌توان چهار نقش و مجموعاً کارکرد مختلف برای این کمیسیون تعریف کرد. داوری اختلافات، نظارت استصوابی بر برخی اقدامات مربوط به ایران، نظارت استطلاعی و در نهایت برخی حمایت‌ها از ایران، چهار کارکرد متنوع این مرجع است. (سهرابی، ۱۳۹۸، ۱۱۷).

۳-۲- طرح دعوا علیه برخی دولت‌های عضو آژانس در دیوان بین‌المللی دادگستری

بند اول ماده ۱۷ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه داده است که هر مسأله یا اختلافی در ارتباط با تفسیر یا اجرای این اساسنامه که از طریق مذاکره حل و فصل نیابد باید طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به این دیوان ارجاع گردد، مگر اینکه اصحاب دعوا نسبت به یک روش دیگر حل و فصل اختلافات توافق نمایند. دیوان بین‌المللی دادگستری در مقام رکن قضائی اصلی ملل متحد همواره تلاش داشته که در صدور آراء خویش انجام وظایف سایر ارکان سازمان ملل متحد (از جمله شورای امنیت) را نیز تسهیل نماید. لذا با عنایت به تصویب تصمیماتی توسط شورای امنیت به احتمال فراوان رأی دیوان ناقض مفاد نظرات شورای امنیت نخواهد بود

۳-۳- کمیسیون مشترک برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

یکی از نکاتی که در برجام مهم است و به ویژه برای ایران اهمیت دارد، حقوق و تکالیف متقابل برای طرفین برجام است. بر همین اساس، به منظور اطمینان حاصل کردن از اجرای دقیق برجام، طرفین برجام تأسیس کمیسیونی را پیش بینی کردند که متشکل از گروه ۵+۱ آمریکا، انگلستان، روسیه، آلمان، فرانسه، چین، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجه و سیاست امنیتی و ایران است. این کمیسیون هشت نفره، تصمیمات خود را با اجماع (کنسانسوس) اتخاذ می‌کند، به نحوی که هر یک از اعضا از یک حق رأی برخوردارند؛ جز شیوه اتخاذ تصمیم در مورد بخش Q پیوست نخست برجام (در موارد اختلاف ایران با آژانس در مورد ارائه دسترسی) کمیسیون، پیشنهادی را برای حل اختلاف ارائه می‌دهد. در مورد اخیر، تصمیمات با اجماع یا پنج رأی مثبت از هشت رأی گرفته می‌شود. نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجه و سیاست امنیتی یا نماینده او به عنوان هماهنگ کننده کمیسیون مشترک تعیین شده که نقش پل ارتباطی بین اعضاء کمیسیون با خارج است. جلسات کمیسیون هر سه ماه یا در هر زمانی که یکی از اعضا از نماینده عالی درخواست کند، به صورت محرمانه جز در صورتی که خود اعضا با اجماع، حضور ناظرانی را برای شرکت در جلسه اجازه دهند، تشکیل می‌شود. در خصوص مقر جلسات باید گفت به نحو مقتضی در نیویورک، وین یا ژنو برگزار می‌شود. همچنین کمیسیون همانند: کمیته‌های تحریم، باید به شورای امنیت هر ۶ ماه یک بار گزارش کاری ارائه دهد. بررسی سازوکار کمیسیون، نشان می‌دهد که حوزه اختیارات کمیسیون بسیار وسیع‌تر از کمیته تحریم ۱۷۳۷ است؛ به طوری که علاوه بر وظایفی که در حیطه اختیارات کمیته ۱۷۳۷ است، این امکان برای کمیسیون فراهم شده تا رویه فعالیت خود را در صورت ضرورت تغییر دهند. اما تا این مقطع زمانی؛ فعالیت‌های کمیسیون از این قرار است: (عابدینی و سادات شارق، ۱۳۹۵، ۱۵۳)

الف- فعالیت نظارتی: هدف اصلی از تأسیس کمیسیون مشترک، نظارت بر اجرای مفاد برجام است که به دو دسته نظارت استصوابی (تأییدی) و اطلاعی تقسیم بندی می‌شود:

- **نظارت تأییدی:** فعالیت اصلی نظارتی کمیسیون مشترک، با فرا رسیدن روز اجرا آغاز می‌شود. یکی از اقداماتی که ایران برای اثبات صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای و استفاده از انرژی هسته‌ای در جهات صلح‌آمیز مانند تولیدات دارویی و صنعتی باید انجام دهد، مدرن سازی رآکتور اراک با نظارت آژانس است. بر این اساس، دولت ایران به عنوان مدیر اصلی پروژه مدرن سازی به همراه کارگروهی که هسته اصلی آن را اعضای گروه ۵+۱ تشکیل می‌دهد، سعی در تهیه طرح نهایی، مدرن سازی رآکتور می‌کند؛

طرح اخیر به همراه طراحی آزمایشگاه‌های فرعی، به کمیسیون مشترک ارائه می‌شود و کمیسیون سه ماه وقت دارد تا آن را تأیید کند. (عابدینی و شارق، ۱۳۹۵، ۱۵۳) نظارت فنی کمیسیون، تنها به اقداماتی که ایران به کمک سایر کشورها انجام می‌دهد، محدود نمی‌شود، بلکه قسمت عمده‌ای از نقش نظارتی کمیسیون به فعالیت‌هایی اختصاص دارد که دولت ایران، به تنهایی در مورد آنها اقدام می‌کند و باید به تأیید و تصویب کمیسیون برساند. دایره اقداماتی که ایران باید به تأیید کمیسیون برساند بسیار وسیع است به طوری که از فعالیت‌های صادراتی تا فعالیت فنی در زمینه طراحی و توسعه مواد هستای، تجهیزات و تکنولوژی را دارد. بر این اساس، نظارت بر این دسته از فعالیت‌ها تا مدت‌ها بعد از روز انتقال ادامه دارد.

- **نظارت اطلاعاتی:** برخلاف نظارت تأییدی، نظارت اطلاعاتی به مواردی چند محدود شده است که می‌توان مهم‌ترین آن را اطلاع کمیسیون از اقداماتی دانست که دولت‌ها وفق ماده ۲۱ قطعنامه ۲۲۳ شورای امنیت انجام می‌دهند که براساس آن دولت‌ها باید ۱۰ روز پیش از انجام اقداماتی که در قطعنامه مجاز دانسته شده باید به کمیسیون اطلاع دهند. (عابدینی و شارق، ۱۳۹۵، ۱۵۵)

۳-۴ روش حل و فصل اختلاف در برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

مکانیسم ماشه در راستای حل اختلاف پیش بینی شده در برجام، فرآیندی است که چنانچه یکی از طرف‌های برجام به این جمع بندی برسد که طرف دیگر به تعهدات توافق شده پایبند نیست، می‌تواند به کمیسیون مشترک شکایت کند. بندهای ۳۶ و ۳۷ برنامه جامع اقدام مشترک به تشریح ساز و کارهای حل اختلاف احتمالی در اجرای برجام می‌پردازد. براساس بند ۳۶ برجام چنانچه ایران معتقد باشد که هریک یا کلیه اعضای گروه ۵+۱ تعهدات خود را طبق برجام رعایت نکرده‌اند، می‌تواند موضوع را برای حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع دهد، به همین ترتیب چنان چه هریک از اعضای گروه ۵+۱ نیز نسبت به عدم رعایت تعهدات ایران معترض باشند می‌توانند اقدام مشابه به عمل آورند. کمیسیون مشترک ۱۵ روز زمان خواهد داشت تا موضوع را فیصله دهد، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. متعاقب بررسی کمیسیون مشترک، چنانچه هر عضو معتقد باشد که موضوع پایبندی فیصله نیافت، می‌تواند موضع را به وزیران امور خارجه ارجاع دهد. وزیران ۱۵ روز فرصت خواهند داشت تا موضوع را فیصله دهند، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. پس از بررسی کمیسیون مشترک، به موازات یا به جای بررسی در سطح وزیران، عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیف اش زیر سوال برده است می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیأت مشورتی که متشکل از سه عضو خواهد بود، یکی از سوی هریک از طرف‌های درگیر در اختلاف و طرف سوم

مستقل بررسی شود. هیأت مشورتی می‌بایست نظریه غیرالزام‌آوری را در خصوص موضوع پایبندی ظرف ۱۵ روز ارائه نماید. چنانچه، متعاقب این فرآیند ۳۰ روزه موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیأت مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشد سرونظر عضو شاکی مصداق عدم پایبندی اساسی باشد، آنگاه آن طرف می‌تواند شکایت خود را به عنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده و به شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد که همکاری خود را قطع و در این صورت عدم پایبندی اساسی به شمار می‌آید.

چکیده این روند در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، که برجام را مورد تأیید قرار داده، به شرح ذیل ملحوظ شده است. هر گاه یکی از کشورهای مشارکت‌کننده در برجام معتقد به نقض اساسی تعهدات یکی دیگر از طرفین برجام باشد، شورای امنیت ظرف ۳۰ روز از دریافت ابلاغیه دولت مدعی نقض، تمدید لغو تحریم‌های شورای امنیت را به رأی می‌گذارد و اگر در مهلت ده روز از ابلاغیه ذکر شده هیچ یک از اعضای شورای امنیت، پیش نویس چنین قطعنامه‌ای را برای رأی‌گیری ارائه نکند، شورا موظف خواهد بود تا پیش‌نویس قطعنامه را تهیه کرده و نهایتاً در مدت ۳۰ روز از تاریخ ابلاغیه مذکور، آن را به رأی گذارد و شورا، قصد خود مبنی بر در نظر گرفتن دیدگاه‌های دولت‌های درگیر را در موضوع و هر نظریه هیأت مشورتی موجود در برجام در خصوص موضوع را ابراز می‌دارد. حتی در فرض عدم تصویب این قطعنامه در شورا، تمام مفاد قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران با گذشت ۳۰ روز از تاریخ صدور آن ابلاغیه (به وقت گرینویچ) بازگشته و به همان رویه پیشین اعمال می‌شوند، مگر اینکه شورای امنیت به گونه‌ای دیگر تصمیم‌گیری نماید. به این فرآیند که هم ذیل برجام و هم در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مطرح گشته، بازگشت خودکار تحریم‌های ایران یا در اصطلاح مکانیسم ماشه گفته می‌شود که به نظر می‌رسد ضمانت اجرایی برای عدم پایبندی ایران به تعهدات برجامی خود می‌باشد. (موسوی فر، ۱۴۰۰، ۲۰۲)

۳-۵- ضمانت اجرا از طریق مکانیسم ماشه

بند ۱۸ برجام مقرر می‌دارد: قطعنامه شورای امنیت که مفاد برجام را تأیید خواهد کرد، کلیه قطعنامه‌های پیشین تحریمی شورای امنیت بر علیه برنامه هسته‌ای ایران را لغو خواهد کرد و

محدودیت‌های خاصی را برقرار خواهد نمود.^۱ (JCPOA, 2015, 18) به واقع، مبتنی بر این توافق، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، قطعنامه‌های پیشین خود را که حاوی مقررات تحریم علیه ایران بودند، ملغی نمود.

بنابراین نظام ضمانت اجراء در برجام برگشت‌پذیر بوده و در آن یک سیستم خود بسنده وجود دارد که اقدام به مقابله به مثل برای آن مستفاد می‌گردد. البته نباید از این موضوع چنین برداشت شود که هر دولت به سادگی با ادعای نقض فاحش یا نقض مهمی از سوی ایران می‌تواند با اقدام متقابل، مبادرت به سرگیری اعمال تحریم بکند. واقعیت این است که با سازکار پیش‌بینی شده در برجام به نوعی تلاش گردیده که جلوی خود قضاوتی و خودسری دولت‌ها گرفته شود. این مسأله در چارچوب ساختار شورای امنیت که کاملاً قدرت محور است، واضح و روشن است. مضافاً به اینکه پیش‌بینی لایه‌های حقوقی و وجود قیود حفاظتی مثل آنچه در بند ۱۴ قطعنامه آمده است، بحث بازگشت‌پذیری قطعنامه‌های پیشین علیه ایران را محدود و تا حدودی خنثی می‌کند. علاوه بر اینکه به فرض پذیرش خود بخود بازگشت تحریم‌ها با خودسری و تشخیص یک دولت و بدون ارائه دلایل قابل قبول، همراهی اتحادیه اروپا به این آسانی صورت نخواهد گرفت و یقیناً تحریم‌های یک جانبه‌ای که اتحادیه مذکور علیه ایران وضع کرده است، به راحتی اعاده و باز نخواهد گشت. (عبدالهی، ۱۳۹۴) اگر بخواهیم از دریچه دیگر به موضوع ضمانت اجراء بنگریم، به عقیده بعضی از حقوقدانان پیش‌بینی شیوه‌القاء و بی‌اثر کردن برجام و قطعنامه نیز از جمله ابتکارات سند هست. به طوری که اساساً تحت هیچ شرایطی مناسبات میان طرفین منتهی به اختلاف حقوقی نمی‌گردد و به تبع آن به یک مرجع قضائی نیز ارجاع نمی‌شود که این اساساً امر نادر و پدیده جدیدی است. به عبارتی، پایبندی و اجرای تعهدات توسط طرفین ضمانت اجراء آن است و در صورت نقض جدی، برجام و قطعنامه ظرف مدت کوتاهی لغو و بلااثر می‌گردد. (افتخار جهرمی، ۱۳۹۵، ۲۸۰)

بنابراین، با دقت در قطعنامه ۲۲۳۱ مشخص می‌شود که خود قطعنامه فاقد ضمانت اجراء تمدیدی مشخصی است اما با عنایت به بند ۱۲ آن که تقریباً چکیده همان ترتیبات توافق شده در بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام است مشخص می‌شود که این قطعنامه بخشی از ساز و کار تضمینی اجراء برجام محسوب

^۱ قطعنامه شورای امنیت که برجام را تأیید خواهد نمود تمام مفاد قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در خصوص موضوع هسته‌ای ایران - (۲۰۰۶)۱۶۹۶، (۲۰۰۶)۱۷۳۷، (۲۰۰۷)۱۷۴۷، (۲۰۰۸)۱۸۰۳، (۲۰۱۰)۱۹۲۹ و (۲۰۱۵)۲۲۲۴ را همزمان با اجراء اقدامات توافق شده مرتبط با هسته‌ای توسط ایران، راستی آزمایی شده توسط آژانس، به نحو مشخص شده در پیوست ۵ لغو خواهد کرد و محدودیت‌های خاصی را به نحو مشخص شده در پیوست ۲ برقرار خواهد نمود.

می‌شود. پیش‌نویس این قطعنامه که بخشی از نتایج مذاکرات وین محسوب می‌شود به دقت با تفکیک میان بندهای این قطعنامه بخشی از این بندها را تابع ماده ۴۱ منشور قرار داده است، به دیگر سخن به جز بندهای موضوع ماده ۴۱ منشور در این قطعنامه، سایر بندها فاقد ضمانت اجرایی متداول شورا به موجب فصل هفت منشور می‌باشد.

اصطلاح مکانیسم ماشه در هیچ‌کدام از اسناد مربوط به توافق هسته‌ای، چه برجام و چه قطعنامه ۲۲۳۱ نیامده اما مقصود از آن، همین احتمال برگشت‌پذیری قطعنامه‌های تحریمی است. نکته حائز اهمیت در خصوص عبارت‌پردازی بند ۳۷ این است که چون شورای امنیت در مورد تداوم لغو تحریم‌ها رأی‌گیری خواهد کرد، چنانچه یکی از اعضای دائم شورا (نظیر ایالات متحده آمریکا) از حق وتو استفاده کند، تداوم لغو تحریم‌ها منتفی می‌شود و قطعنامه‌های شش‌گانه پیشین در خصوص تحریم ایران دوباره باز خواهند گشت. با وجود این، پاراگراف ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ و همچنین بند ۳۷ برجام اشعار می‌دارند؛ مگر اینکه شورای امنیت تصمیمی غیر از این بگیرد. (JCPOA, Para: 37) معنای عبارت اخیر می‌تواند بیانگر این باشد که امکان دارد شورای امنیت در سطحی غیر از صدور قطعنامه به تصمیم‌گیری بپردازد؛ مثلاً به صدور بیانیه رئیس اکتفا کند. گزاره‌ای غیر از تداوم لغو تحریم‌ها را به رأی بگذارد و یا قطعنامه‌ای براساس فصل ششم صادر کند. بعنوان مثال چون ایالات متحده با نقض برجام از آن خارج شده و از حیث حقوق بین‌الملل مرتکب تخلف شده است، نمی‌تواند با استناد به بند ۱۱ قطعنامه مکانیزم ماشه را اعمال نماید. تفسیر دیگری جز این به معنای لغو بودن سازوکار پیش‌بینی شده در برجام برای حل و فصل اختلافات و پاداش دادن به دولتی است که برجام را نقض کرده است. این نتیجه مغایر با اصل حسن نیت به عنوان یکی از اصول منشور سازمان ملل متحد و تفسیر معاهدات در حقوق بین‌الملل است. با خروج ایران از برجام آمریکا می‌تواند با قدرت‌های جهانی در مورد به انزوا کشیدن جمهوری اسلامی ایران به اجماع برسد. (دهشیری و میرکاظمی، ۱۳۹۹، ۱۷۷-۱۷۸)

۳-۶- اقدامات مبتنی بر خودیاری در نقض برجام

برای کلیه دولتها در همکاری با قطعنامه‌های فصل هفتم شورای امنیت و تأکید قطعنامه ۲۲۳۱ با توجه بر اینکه این قطعنامه در چارچوب تعهدات تصریح شده در ماده ۲۵ منشور در رابطه با همکاری دولتها با شورای امنیت صادر شده است و از طرف دیگر تأیید قاطعانه این قطعنامه نسبت به برجام به عنوان دستاوردی مهم مشخص می‌گردد که اولاً، برجام یک معاهد بین‌المللی نیست و دولتهای متعاقد نمی‌توانند به صرف ادعای نقض تعهد یکی از طرف‌های متعاقد، منبعث از مقررات مسئولیت بین‌المللی

دولتها، اقدام به نقض متقابل برجام نمایند بلکه سازوکارهای حل و فصل اختلافات درون برجامی در خود توافق وروش‌های برخورد با نقض‌های احتمالی هر یک از طرف‌های برجام را مشخص نموده است. دلایلی که استفاده از خودیاری را به عنوان ویژگی وضعیت‌گذاری حقوق بین‌الملل بازتاب می‌دهد عبارتند از: قصور دولت‌های بزرگ در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ضعف سازمان ملل متحد در حل و فصل اختلافات بین‌المللی و اعتقاد بسیاری از کشورها در این مورد که اختلافات کوچک با توسل به خودیاری به نحو مؤثری قابل حل و فصل می‌باشد. (فن گلان، ج ۲، ۱۳۷۹، ۶۳۲ - ۶۳۳)

۳-۷-۱- مقابله به مثل ایران به عنوان تخلف از برجام

مقابله به مثل به عنوان یکی از شیوه‌های سنتی اعمال قدرت ارتکاب، عملی است قانونی اما غیردوستانه که از طرف یک کشور در واکنش به اقدام غیردوستانه و مغایر با حقوق بین‌الملل کشور خاطی انجام می‌شود تا رعایت حق را به وی تحمیل نماید. نظام ضمانت اجراء در برجام برگشت‌پذیر است و در آن یک سیستم خودبسنده وجود دارد که اقدام به مقابله به مثل از آن مستفاد می‌گردد. (افتخار جهرمی و حاجیانی، ۱۳۹۴، ۱۷۴) هر قرارداد حقوقی الزاماً باید ضمانت اجرایی برای طرفین داشته باشد تا از لحاظ حقوقی توثیق شود. عدم ضمانت اجرایی به مثابه قانون گریزی و ناکارآمدی مفاد توافق است.

سیاست جمهوری اسلامی ایران بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام سیاست صبر استراتژیک بوده است، اما بعد از سپری شدن یک سال به دنبال تغییر آهسته و مرحله‌ای در سیاست‌های خود در قبال برجام بوده است. توافق هسته‌ای ایران مانند بسیاری دیگر از توافقات بین‌المللی ممکن است نقایصی داشته باشد، اما اعضای برجام و همچنین سایر کشورهای اروپایی و جهان بر این امر تأکید می‌کنند که حفظ برجام جزء لاینفک حفظ صلح و امنیت منطقه و جهان است. جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه شورای عالی امنیت ملی خود در اردیبهشت سال ۱۳۹۸ بر این امر تأکید کرد که حفظ توافق برجام منوط به ادای تعهدات اروپا در زمینه‌های بانکی و نفتی است. اتحادیه اروپا و تروئیکای اروپایی یعنی انگلیس، فرانسه و آلمان در پاسخ به بیانیه تهران واکنش نشان دادند و گفتند تلاش خود را برای حفظ توافق برجام و کمک به اقتصاد ایران انجام خواهند داد و جمهوری اسلامی ایران را برای پایبندی به تعهدات خود و انجام ندادن اقدام تهاجمی ملزم دانستند. (دهشیری و میرکازمی، ۱۳۹۹، ۱۷۴ - ۱۷۵)

- در جهت مقابله به مثل ایران: در راهبرد جدید هسته‌ای در دوره پسا برجام، پس از اینکه ایران نتوانست از طریق اینستکس^۱ به امتیازهای اقتصادی دست یابد، رئیس‌جمهور روحانی از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ (۸ می ۲۰۱۹) پنج گام کاهش تعهدات برجامی را اعلام کرد و در همین سال به اجراء درآورد.

- چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ ایران در برابر آنچه در یک سال گذشته بر برجام رفته بود، اقدام متقابل خود را آغاز کرد. در راستای اقدام متقابل، ایران تصمیم گرفت از برخی تعهداتش طبق برجام بکاهد. ایران با مهلت ۶۰ روزه به کشورهای عضو برجام می‌خواست در راستای صیانت از امنیت و منافع ملی مردم و در اعمال حقوق خود مندرج در بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام، برخی اقدامات خود را در توافق برجام متوقف کند و با صدور بیانیه‌ای توسط شورای عالی امنیت ملی این اقدام را اعلام کرد. (عقیل نقشبندی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۶۷-۱۶۸)

نتیجه‌گیری

عملکرد دولت‌ها در نظام بین‌المللی به ویژه در حیطه سازمان‌های بین‌المللی و خاصه شورای امنیت سازمان ملل متحد تابع قواعد خاص و حساسی است که از مرحله‌ای به مرحله دیگر دستخوش تغییر قرار می‌گیرد.

با این پیش‌فرض، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با حساسیت ویژه‌ای توسط جامعه بین‌المللی و قدرتهای بزرگ در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً به دلیل اینکه اعضاء آژانس خطر هسته‌ای شدن ایران و همچنین به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی را ملاک تصمیم خود قرار دادند، این پرونده را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع نموده و شورای امنیت ۶ قطعنامه ذیل فصل هفتم منشور علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود.

قدرتهای بزرگ عضو شورای امنیت که از حق وتو نیز برخوردار هستند به اضافه آلمان و جمهوری اسلامی ایران در طی ۲ سال مذاکره توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را تصویب نمودند و شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ به برجام رسمیت بخشید و کلیه تحریم

^۱. ابزار حمایت از مبادلات تجاری (به انگلیسی Instrument in Support of trade Exchanges) با کوتاه نوشت

اینستکس (INSTEX) با سرنام ساحات، یک ابزار ویژه مالی است که در ژانویه ۲۰۱۹ توسط کشورهای فرانسه، آلمان و بریتانیا برای تسهیل تجارت غیر دلاری با ایران ایجاد شد. مقر اینستکس در پاریس و ریاست آن بر عهده پرفیشر آلمانی، از مدیران پیشین کومرتس بانک است. (همشهری آنلاین، ۱۲ بهمت ماه ۱۳۹۷ www.pishkhan.com)

های موضوع هسته ای مصوب شورای امنیت و تحریم های یکجانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا یکجا لغو گردیدند.

علا رغم اینکه با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ و نظارت های ویژه آژانس بین المللی انرژی اتمی و متعهد بودن همه اعضا بر جام این توافق بین المللی در مسیر خود به درستی طی می گردید، ایالات متحده آمریکا خلاف ماده ۳۶ و ۳۷ برجام بصورت غیر منطقی و خلاف حقوق بین الملل، یک طرفه از این قرار داد خارج گردید و تحریم های یکجانبه شدید تری بر علیه ایران تصویب و اجرا نمود.

خروج طرف های برجام می بایست براساس ماده ۳۶ و ۳۷ برجام در فرآیندی پیش بینی شده در کمیسیون مشترک و سپس در کمیسیون وزرای امور خارجه کشور های ۵+۱ و ایران مطرح و پس از بررسی و قطعیت یافتن از عدم اجرای تعهد های مصوب شده امکانپذیر می باشد. ایالات متحده آمریکا بارها از عدم حقوقی بودن برجام یاد کرده و آنرا توافقی سیاسی دانسته که از شمول حقوق بین الملل خارج و همین استدلال را برای خروج از برجام تعریف کرده است. این پژوهش به ضعف های شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص اجرای یک سند بین المللی و همچنین به ضعف های برجام بعنوان یک سند بین المللی از حیث حقوقی یا سیاسی بودن پرداخته است.

نتیجه پایه ای و اصلی که از پژوهش حاضر حاصل می گردد این مطلب می باشد که براساس اصول کلی حاکم بر وفاق های قرار دادی و همچنین ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات، با تصویب برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع خلع سلاح هسته ای مبتنی بر معاهده منع اشاعه بصورت شفاف اجرایی و هیچگونه خطری جامعه بین المللی را تهدید نمی کرد. بنابراین خروج ایالات متحده آمریکا نقص آشکار یک تعهد بین المللی و عام الشمول بوده و متضاد با مواد ۴۲ و ۴۸ طرح کمیسیون حقوق بین الملل راجع به مسئولیت های بین المللی دولت ها می باشد. اکثریت دولت ها و اعضای جامعه بین المللی خروج ایالات متحده آمریکا از برجام را زیان بین المللی و باعث بی اعتبار شدن توافق های بین المللی دانسته و آنرا نقض ماهوی و شکلی یک پیمان بین المللی و تعهد عام الشمول می دانند. جمهوری اسلامی ایران با پابندی کامل به گواه گزارش های دوره ای آژانس بین المللی انرژی اتمی و سایر اعضا عضو برجام حتی بعد از خروج آمریکا همه ی تعهدات برجامی خود را اجرا نمود و بعد از اینکه سایر اعضا عضو توافق برجام به تعهدات خود به صورت واقعی عمل ننمودند، اقدام به کاهش پله ای تعهدات منطبق با برجام نمود و همچنان برای احیاء این توافق بین المللی آمادگی نشان داده است.

در خاتمه بیان می‌گردد که خلاء های حقوقی و عدم ضمانت های اجرایی مناسب ناشی از ماهیت سیاسی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) باعث گردید تداوم این توافق بین المللی تحت اشعاع رویکرد سیاسی کشورها قرار گرفته و موجب بی اثر شدن منافع آن برای جمهوری اسلامی ایران و حتی ممکن است منجر به تهدید صلح و امنیت بین المللی گردد.

این روند شکل گرفته نهایت ضعف ساختاری شورای امنیت سازمان ملل متحد را نشان می‌دهد که دچار ضعف حقوقی و عملکرد نامناسب می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق بین‌الملل کیفری، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و حسنوند، مظفر، برجام به مثابه توافق بین‌المللی: کاوشی در ماهیت و ضمانت اجرا، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴۸، ۱۳۹۶.
- افتخار جهرمی گودرز و حاجیانی علی، دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نظارت‌پذیری شورای امنیت، فصلنامه سیاست جهانی، سال پنجم، شماره سوم، ۱۳۹۵.
- آقابخشی علی، مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر مرکز مطالعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
- آقایبی سیدداوود، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: نشر پیک فرهنگ، ۱۳۷۵.
- آقایبی طوق مسلم، تحلیل تحلیل اقتصادی حقوق، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۲، ۱۳۹۲.
- آیتو، جان، فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی، ترجمه حمد کاشانیان، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۶.
- بعیدی‌نژاد، حمید، گام به گام تا برجام (از آغاز تا فرجام)، پاییز، تهران: انتشارات مخاطب، ۱۳۹۴.
- بیگدلی محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۷.
- پورنوری، منصور و محمد حبیبی، حقوق بین‌الملل دریاها - کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲، تهران: مرکز ملی اقیانوس‌شناسی، انتشارات مهد حقوق، ۱۳۸۵.
- حدادی مهدی، موافقت‌نامه‌های نزاکتی از منظر حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۰، شماره ۴۸، ۱۳۹۲.
- خلیلی‌نژاد، روح‌الله، تحلیل و بررسی حقوقی برنامه هسته‌ای ایران با گروه ۱+۵، تهران: مجمع علم و فرهنگی مجد، ۱۳۹۴.
- دلخوش علیرضا، برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۱، ۱۳۹۶.
- دهشیری محمدرضا و میرکاظمی سیدمهدی، سناریوهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا، دو فصلنامه آینده پژوهی ایران، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۹.
- راه‌چمنی ابوالقاسم، تحریم‌ها، گزیده تهران: نشر پژوهش‌های جهان، ۱۳۸۱.
- روحانی، حسن، دیپلماسی هسته‌ای، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.
- زمانی محسن و سیدامیر نیاکویی، واکوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۵، ۱۳۹۸.

تحلیل حقوقی عملکرد شورای امنیت ...؛ میرعباسی و نوذری

- زمانی، سیدقاسم، سادات میدانی، سیدحسین، عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از ارجاع تا تحریم مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۵، ۱۳۹۸.
- سادات میدانی، حسین، صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
- ساعد، نادر، گفتارهایی پیرامون ایرالن و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
- سهرابی، محمد، بررسی ابعاد مختلف توافق هسته‌ای برجام از منظر حقوق بین‌الملل، پژوهش ملل، شماره ۵۰، ۱۳۹۸.
- سهیلا کوشا و اسکندری محمدعلی، چالش‌های حقوقی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و قطعنامه‌های تحریمی، سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- شارق زهراسادات، حقوق و عملکرد کمیته‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل با تأکید بر کمیته تحریمی قطعنامه ۱۷۳۷، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۵.
- صبور مسعود و سیدقاسم زمانی، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و خروج آمریکا از برجام: از شأن نزول ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد تا نزول شأن آن، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۴، ۱۳۹۹.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، تحلیل توافق‌نامه ژنو از منظر حقوق معاهدات بین‌المللی، مؤسسه حقوق بین‌الملل پارس، نشست علمی درباره تحلیل توافق‌نامه ژنو، ۱۳۹۴.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌المللی عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۳.
- عابدینی عبدالله و شارق زهراسادات، ارتباط میان کمیته تحریم ۱۷۳۷ و کمیسیون مشترک در پرتو اجرای برجام، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۳، ۱۳۹۵.
- عالی زارنجی، رضا، شورای امنیت سازمان ملل متحد و نحوه اقدام آن در برابر کشورهای جهان، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- عمادی سیدمحسن، تأثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر، سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- فتاحی زفرقندی علی، بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴.
- فتاحی زفرقندی، علی، بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴.
- فلسفی هدایت‌الله، حق، صلح و منزلت انسانی: تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت، مجله حقوقی، شماره ۲۶-۲۷، ۱۳۸۱.

- فن گلان گرهارد، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، جلد ۲، ترجمه محمدحسین حافظیان، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۹.
- فیضی، فاضل، بررسی ماهیت و اهداف تحریم‌های سازمان ملل متحد، مطالعات سیاسی، شماره ۲۵، ۱۳۹۳.
- قنبری جهرمی، محمدجعفر، برجام معاهده نیست و نیاز به تصویب مجلس ندارد، مصاحبه هفته نامه صدا، ۱۳۹۴.
- محبی محسن و وحید بزآر، سازوکار حل و فصل اختلافات ناشی از برجام و تعیین تکلیف تحریم‌های هسته‌ای ایران در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۴، ۱۳۹۶.
- مردانی نادر و حسن‌زاده احسان، مطالعه تطبیقی نقش و جایگاه برجام در نظام حقوقی ایران و آمریکا، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۱، شماره ۱، ۱۳۹۶.
- مستقیمی بهرام؛ طارم سری مسعود، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران (زیرنظر جمشید ممتاز)، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ملا کریمی، امید و دیگران، تحلیل حقوقی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و بررسی رابطه آن با برجام، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴، ۱۳۹۶.
- ملاکریمی، امید؛ جلالی، محمود، ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل، مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۶.
- ممتاز، جمشید، انطباق تحریم‌های شورای امنیت با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ترجمه مهرداد رضائیان، مجله سیاست خارجی، شماره ۵۲، ۱۳۸۷.
- ممتاز، جمشید، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل در ایران و حقوق بین‌الملل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶.
- ممتاز، جمشید، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۲، ۱۳۸۸.
- موسوی‌فر سیدحسین و دیگران، امکان‌سنجی اعمال مکانیسم ماشه برجام توسط آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل، نشریه آفاق امنیت، شماره پنجاه و یکم، ۱۴۰۰.
- نصری قدیر، روش شناخت در مکتب نئورئالیسم. مجله مطالعات راهبردی، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
- نعمتی زرگران مرتضی، خروج ترامپ از برجام و ناکارآمدی شورای امنیت سازمان ملل، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۵۲، ۱۳۹۹.
- هالستی، کی‌جی، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.

منابع اینترنتی

- خبرگزاری ایرنا، تلاش آمریکا برای خروج از برجام با هزینه ایران. ۱۳۹۶/۶/۲۶.

<https://www.irinn.ir/fa/news/524149>

- خبرگزاری تسنیم دستورالعمل وزارت خزانهداری آمریکا درباره خروج از برجام/ چه تحریم‌هایی مجدداً اعمال می‌شوند؟ ۱۳۹۷.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/04/09/1449493>

<http://www.rajaneews.com/news>

<https://www.bultanneews.com/fa1398>

ب) منابع انگلیسی

- Conde, H. Victor, A Handbook of International Human Rights Terminology, second Edition, santa Barbara CA: ABC – Clio, 2002.
- Joyner, Daniel H. (2015), Much, Much More on the JCPOA, <http://www.armscontrollaw.com/2015/07/15much-much-more-on-the-jcpoa> (accessed November 26, 2017.)
- United Nations Inter-Agency standing Committee and Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA), (2004), Sanctions Assessment Handbook, United Nations, New York.